

تئوری حکومتی عصر غیبت بر اساس دیدگاه شیخ مفید(ره)

دریافت: ۹۴/۱۱/۷ تأیید: ۹۴/۱۲/۲۶ مرتضی امامی*
محمدجواد یآوری سرتختی** و محمدعلی لیالی***

چکیده

تئوری حکومتی عصر غیبت در اندیشه فقهای شیعه مبتنی بر یک سلسله اصول و مبانی نظری است که با تکیه بر آنها می‌توان نظرات فقهای شیعه درباره حکومت در عصر غیبت را شناخت. برخی از این مبانی و اصول در نظریه فقهای شیعه از اصول مسلم و قطعی و اتفافی (اجماعی) پنداشته می‌شود. «شیخ مفید» نیز از فقهای برجسته و متقدم شیعه است که درباره حاکمیت و حکومت در عصر غیبت، دارای تئوری حکومتی و نظراتی است که در قالب اندیشه و فقه سیاسی شیعه قابل بازشناسی و تدوین است.

تئوری شیخ مفید در باره حاکمیت و حکومت در عصر غیبت بر مبانی و اصولی استوار است که عبارتند از: نگاه حداکثری به دین، جامعیت و تأسیسی بودن دستورات دینی و توسعه قلمرو آن در تمامی عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی، تبیین جایگاه عقل و قلمرو آن در مبانی حکومتی، انحصار حاکمیت و حکومت خداوند بر مردم، تنفیذ و ابلاغ احکام اولیای الهی از جانب خداوند به منظور حکمرانی بر مردم و گستره ولایت و حاکمیت معصومین؛ و اولویت حکومت فقیه در عصر غیبت بر اساس ادله عقلی و نقلی.

این مقاله در صدد تبیین اصول و مبانی حاکمیت و حکومت در عصر غیبت، بر اساس دیدگاه‌های شیخ مفید است.

واژگان کلیدی

تئوری حکومت، ولایت فقیه، شیخ مفید، عصر غیبت

* استادیار دانشگاه کاشان.

** دانشجوی دکتری تاریخ تشیع مؤسسه امام خمینی(ره).

*** دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب و عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.

مقدمه

ضرورت وجود قانون و حکومت در جامعه از مسلمات عقل است و شرع اسلام بر آن اذعان دارد. مبرهن است که وجود قانون و حاکم باطل از بی قانونی و هرج و مرج بهتر است (نهج البلاغه، خطبه ۴۰). اما آنچه نیازمند تأمل و دقت است، آن است که داعیه‌داران انواع حکومت‌ها در جهان، مدعی‌اند نوع حاکمیت آنان بهترین مدل حکومتی است و تمامی شاخص‌های اصلی حاکمیت مترقی؛ اعم از آزادی، امنیت، رفاه و عدالت اجتماعی را داراست، اما امروزه در جهان شاهدیم، ادعاهایی نظیر دموکراسی، به فریبی برای استثمار جوامع و ملت‌ها تبدیل گشته و این سیستم‌های حکومتی، تنها تأمین‌کننده منافع سرمایه‌داران و ثروتمندان جهان بوده و اصل حاکمیت عموم مردم، افسانه‌ای بیش نیست. نظام سیاسی دموکراسی را که سرمایه‌داران بنا کرده و امروزه به جدّ مبلّغ آند؛ به گونه‌ای که ثروتمندان و سرمایه‌داران می‌توانند به راحتی به قدرتمندان سیاسی تبدیل شوند. این واقعیت را می‌توان در مخارج و هزینه‌های گزاف پیکارهای انتخاباتی به روشنی جست‌وجو کرد. در واقع در این گونه جوامع، چرخه قدرت - ثروت و ثروت - قدرت، ماهیت اصلی دموکراسی، انتخابات و رأی مردم را تشکیل می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ص ۷۲).

در دموکراسی جوامع غربی ملاک، حاکمیت اکثریت است. آزادی نیز تا آنجا جایگاه و احترام دارد که مخل این سیستم حاکمیتی و نظام سود و ثروت نباشد. علاوه بر آنکه این مسأله خود به تنهایی نمی‌تواند شاخص حقانیت حاکمیت‌ها باشد. امروزه شاهدیم که دموکراسی موجود در جوامع غربی، نه تنها حاکمیت اکثریت نیست، بلکه حاکمیت اقلیتی است که قادرند با زر و تزویر و سیاست‌بازی و تبلیغات خاص، افکار و سلاطین مردم را به سمت خویش مایل گردانند (نوروزی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰-۱۱۴).

اگر امروزه بشر پس از گذراندن دوره‌های تاریخ باستانی، قرون وسطایی، رنسانس و انقلاب‌های صنعتی، به کیمیای به ظاهر مترقی «دموکراسی» و به واقع، برده‌داری مدرن دست یافته است، اما شاهدیم که هرگز نتوانسته به رابطه گسترده و پیچیده انسان با تمام

عوامل هستی؛ اعم از عوالم شهود و عوالم غیب دست یابد و نظام حکومتی خود را بر اساس آن بنا نهد؛ زیرا حتی برقراری جامعه مدنی و نظم نوین جهانی و دموکراسی، تنها می‌تواند در سطح زندگی مادی بشر نقش‌آفرینی نماید و این در حالی است که ساحات وجودی انسان، علاوه بر جنبه‌های مادی، آثار روحانی و معنوی دارد که مرتبط با نظام عالم غیب است. این بدان سبب است که رفتارهای اجتماعی بشر نیز نمی‌تواند بی ارتباط با روح شگفت‌انگیز و پیچیده او باشد و عقل بشر، حتی در شکل خرد جمعی از دست‌یابی به تمام مصالح و مفسدات مرتبط با سعادت انسان عاجز است و نیازمند کمک وحی است. بنابراین، با تکیه به این مقدمه می‌توان گفت سابقه طرح اصول و مبانی حکومتی مترقی اسلام که متشکل از دو رکن اساسی «انتصاب الهی» و «پذیرش مردمی» است، بیش از چهارده قرن است که در قالب دموکراسی به شکل مردم‌سالاری دینی سابقه دارد. در میان عالمان متقدم شیعه، مثل شیخ «مفید» (متوفای ۴۱۳ق) از نخستین کسانی است که به نظریه حکومت اسلامی فقیه در عصر غیبت با تکیه بر هدایت مادی و معنوی بشر پرداخته است. اکنون لازم است تا در این پژوهش، به تبیین این تئوری که شیخ مفید آن را در گفتمان فقهی و کلامی خویش مطرح کرده است، پردازیم.

قلمرو دین از نظر شیخ مفید

دین در تعابیر قرآنی و روایی، شامل مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، احکام و مقرراتی است که برای اداره جامعه انسانی و پرورش و تعالی انسان‌ها مؤثر است. پیامبر اکرم ۹ به دلیل خاتمیت، آیینی جامع و کامل برای بشر آورد که از جمله آثار و فواید آن، حاکمیت خدا در زمین (نحل ۱۶): ۲۶، معنابخشی به زندگی، آرامش روانی، تربیت و کمال انسان به فراخور استعدادها، از بین بردن خوف و ترس، رفع نگرانی از تنهایی، تعلیم و تربیت فراگیر بشر (جمعه ۶۲): ۲، و شناساندن تمام مصالح و مفسدات، اصلاح فرد و اجتماع و احیای قسط و برقراری عدالت اجتماعی (حدید ۵۷): ۲۵، همبستگی اجتماعی، احیای ارزش‌های انسانی و الهی و آزادی بشر از هر گونه اسارت (اعراف ۷): ۱۵۷، اجرای احکام و قوانین دینی (فتح ۴۸): ۵۹ است. همانگونه که امام باقر ۷ فرمود:

«خداوند هیچ چیزی را که امت اسلامی به آن نیازمند است فرو نگذاشته، مگر اینکه آن را در قرآن نازل کرده و برای رسولش تبیین نموده و برای هر امری حکمی قرار داده و برای آن دلیلی ذکر کرده که دلالت بر آن دارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۹). بر خلاف دیدگاه کسانی که معتقدند رسالت دین منحصرأ معطوف به اموری است که با فهم و درک بشری نمی‌توان به آن نائل شد (نصری، ۱۳۸۵، ص ۹۷؛ بازرگان، ۱۳۷۷، ص ۳۷).

با عنایت به گستره معنایی دین و با توجه به این‌که حکومت و حاکمیت، بسترِ ضروری و مناسبی برای تحقق اهداف آن است، می‌توان حوزه‌های عملکردی دین را شناسایی نمود. برای مشخص نمودن قلمرو دین در زندگی انسان، گاهی بر اساس انتظارات آدمی از دین آنرا تعیین می‌کنند و گاه به خود دین رجوع می‌شود و گاهی هم ممکن است تلفیقی از دو روش فوق را داشته باشند (جعفری، ۱۳۸۷، ص ۲۷).

مبرهن است که بشر حتی در امور مادی و زندگی اجتماعی خویش؛ خواه به دلیل ناچاری و اضطرار و خواه به دلیل مدنی بالطبع بودن خویش، بدون دخالت دین نمی‌تواند تنها با اتکای بر عقلانیت و دانش و تجربه، به حیات طیبه مادی و معنوی دست یابد؛ چنانکه امیر مؤمنان علی ^۷ خطاب به «محمدبن ابی‌بکر» و «مالک اشتر» می‌فرماید: «اگر دین فقط با آخرت کار داشته باشد، باز هم بدون دخالت آن در زندگی دنیوی، بشر به حیات معنوی خویش نخواهد رسید» (نهج البلاغه، نامه ۲۷ و ۵۳).

فقه‌های اسلام همواره بر اساس اصول و ارزش‌های ثابت شریعت، به اجتهاد می‌پردازند و از قواعد فقهی و اصول عملیه و منابعی؛ نظیر کتاب، سنت، اجماع و عقل برای استنباط و کشف احکام شرعی است که شارع آنها را «تأسیس» نموده استفاده می‌کنند (محقق داماد، بی‌تا، ج ۱، ص ۶). البته این بدان معنا نیست که احکام امضایی ندارد، بلکه بدان معنا است که عمده احکام، خصوصاً احکامی که در حوزه‌های مهم اجتماعی مردم است «تأسیسی» هستند و نه «امضایی». وجود پاره‌ای احکام امضایی نیز نمی‌تواند بیانگر حجیت «عرف بما انه عرف» باشد؛ زیرا امضایی که از سوی شارع صورت گرفته، در واقع تقریر پاره‌ای از عرف‌هایی است که با احکام اسلامی همگام بوده و مطابقت داشته‌اند، نه هر عرفی. هرگاه حکمی در میان عرف عقلاء باشد و اسلام

آن را مطابق مصالح انسان‌ها ببیند و آن را صریحاً امضا کند یا با سکوت خود بر آن صحه بگذارد، این حکم نیز تأسیسی خواهد بود؛ زیرا هر یک از احکام عرفی عقلاء فقط در صورتی اعتبار شرعی خواهد داشت که در مرئی و منظر شارع بوده و از سوی او مورد تأیید قرار گرفته باشد (حکیم، ۱۴۱۸ق، ص ۱۹۸). شبیه امضای بیع در باب عقد فضولی و مانند آن که نوعی انشای ضمنی است؛ علاوه بر آنکه احکام امضایی، محدود به معاملات و یا عرف و سیره عقلاء نمی‌باشد و عبادات را نیز در بر می‌گیرد (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۳۴۶).

از منظر شیخ مفید، سیاست، تدبیر زندگی مادی و معنوی مردم است. وی در آثار فقهی و کلامی خویش مفهوم سیاست را همنشین مفاهیمی چون تدبیر (مفید، ۱۴۱۳ق، المسائل العکبریه، ص ۱۲۴)، ریاست (همان، ص ۶۳)، امر و نهی و نظارت (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۶۶۹ و ۸۱۲)، ولایت (مفید، ۱۴۱۳ق، اقسام المولی فی اللسان، ص ۱۶ و ۲۷)، امامت و خلافت بکار برده است. سیاست از منظر شیخ مفید، چیز جدایی از شریعت نیست؛ زیرا وی در تعریف امام که آن را سلطان اسلام می‌داند، می‌نویسد: «امیرالمؤمنین علی ۷ مدبر دین و دنیا است» (مفید، ۱۴۱۳ق، المسائل العکبریه، ص ۱۲۴). «امام؛ یعنی والی خلق در جمیع امور دینی و دنیوی و کسی که ریاست مردم در امور دینی و دنیوی هر دو به نیابت از پیامبر به او واگذار شده است» (مفید، ۱۴۱۳ق، النکت الاعتقادیه، ص ۳۹).

شریعت از منظر شیخ مفید، تمامی جوانب و مسائل زندگی است و به تعبیر وی، هر حادثه‌ای که به وقوع پیوندد نصی از صادقین ۸ درباره آن وجود دارد و بر اساس آن درباره این حوادث حکم می‌شود (مفید، ۱۴۱۴ق (ب)، ص ۱۳۹). همچنین در جایی دیگر می‌نویسد: «دین و سلطنت دو برادر توأمان هستند. دین، اساس و سلطان، نگهبان آن است و آنچه بی اساس باشد، منهدم می‌شود و آنچه بی حفاظ باشد از بین می‌رود» (مفید، ۱۴۱۳ق، الاختصاص، ص ۲۶۳). بنابراین، از منظر این معلم، هر نوع تدبیر و سیاست در زندگی انسان‌ها باید ممد به شریعت و فهمی از کتاب و سنت بوده باشد و این حقیقت پیوستگی سیاست با دین است.

ضرورت حاکمیت و حکومت از نظر شیخ مفید

نیاز جامعه بشری به نظم اجتماعی و دستگاه حکومتی و قدرت سیاسی از عناصر بدیهی و مسلم نزد محققان و متفکران است؛ چنانکه گزارش‌های تاریخی و تحقیقات جامعه‌شناختی و مردم‌شناسی و نیز شواهد باستان‌شناسی گویای این مطلب‌اند که جوامع بشری هیچ‌گاه از نهاد حکومت و رهبری و مدیریت سیاسی و اجتماعی خالی نبوده است. در زندگی اجتماعی، وجود قانون که حدود و اختیارات اجتماعی افراد را تعیین می‌کند، امری ضروری است و از طرفی قانون بدون پشتوانه اجرایی بی‌تأثیر است. از این رو، لازم است فرد یا گروهی بر تدوین و یا اجرای قانون نظارت کرده و با به‌کارگیری تدابیر و ابزارهای لازم، زمینه اجرای آن را فراهم آورند.

ضرورت رهبری و حکومت تا حدی است که هر گاه جامعه از داشتن دستگاه حکومتی صالح محروم باشد و بر سر دو راهی داشتن رهبر و حکومت ناصالح و یا بی‌قانون و هرج و مرج قرار گیرد، فرض نخست متعین و مرجح است؛ زیرا در جامعه بی‌قانون و فاقد دستگاه قدرت سیاسی، قانون حتی به طور نسبی هم حکومت نکرده و هیچ حریمی حفظ نخواهد شد، اما در جامعه‌ای که قانون و حکومت برقرار است، دست کم تا آن جا که مصالح حکومت ایجاب می‌کند، نظم و قانون برقرار خواهد بود. لذا، امیرالمؤمنین علی ⁷ در رد نظریه خوارج مبنی بر تخطئه حکمیت که به شعار قرآنی «لا حکم الا لله» استناد می‌کردند، فرمودند:

شعاری است حق و سزاوار، ولی از آن برداشتی ناصحیح می‌شود. درست است که حکم، مخصوص خداوند است، ولی اینان می‌گویند که رهبری و حکومت بر جامعه، مخصوص او است؛ در حالی که مردم به فرمانروا و حاکم نیاز دارند؛ خواه نیکوکار باشد یا بدکار (نهج البلاغه، خطبه ۴۰).

شیخ مفید درباره ضرورت تشکیل حکومت، در بیان شرح وظایف حاکم اسلامی به این امر مهم و کلیدی در مباحث اندیشه سیاسی اشاره کرده و اجرای حدود الهی را غایت و ضروری حکومت اسلامی می‌داند. به اعتقاد وی، با امامت و ریاست است که مکلفان به اصلاح رهنمون گردیده و از فساد و تباهی نجات می‌یابند و جنایتکاران

تأدیب، غافلان آگاهی یافته، حدود الهی اقامه و اختلافات حل می‌گردد. مرزهای ایشان امن و اموال آنان محافظت می‌گردد (مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۲).

وی درباره وجود و ضرورت حکومت در سرزمین‌ها، دایره حکومتی مناطق مختلف را به بلاد اسلام و بلاد ایمان و بلاد کفر تقسیم می‌کند. وی با این تقسیم‌بندی بیان می‌کند در هر سرزمینی باید حکومتی وجود داشته باشد، اما معیار حکومت صحیح، قرارگرفتن در بلاد ایمان است و اگر فراهم نشد، باید به سراغ بلاد اسلام رفت تا شریعت و حدود الهی به خوبی اجراء گردد و غیر از این، قرارگرفتن در بلاد کفر است؛ چنانکه می‌نویسد:

هر بخش از بلاد اسلام که شرایع اسلام جز به وجود امامت آل محمد ﷺ در آن روان باشد، دارالاسلام است، نه دار ایمان و هر بخش از بلاد اسلام؛ خواه با جمعیت زیاد و خواه با جمعیت کم که در آن شرایع اسلام همراه با اعتقاد به امامت آل محمد وجود داشته باشد، آنجا دارالاسلام و دار ایمان است. به اعتقاد من ممکن است سرزمینی در عین اینکه دارالاسلام است، دار کفر ملت نیز باشد، ولی ممکن نیست که سرزمینی دار ایمان و کفر ملت هر دو باشد (همان).

به اعتقاد وی با امامت و ولایت است که امت اصلاح گردیده، از فساد و تباهی نجات یافته، جانیان تأدیب و غافلان آگاه شده، حدود الهی اقامه و اختلافات حل گردیده و مرزهای ایشان امن و اموال آنان محافظت می‌گردد (همان). همچنین اساسی‌ترین دلیل بر ضرورت تشکیل نظام سیاسی از دیدگاه ایشان، اصلاح جامعه است که به اعتقاد وی با اجرای قوانین اسلام توسط رئیسی فقیه و عادل تأمین می‌گردد (مفید، ۱۴۱۳ق، المسائل الجارودیه، ص ۴۴)؛ چنانچه نظام سیاسی مشروع و نامشروع نیز از جمله تعابیر موجود در آثار شیخ مفید است. شیخ مفید می‌نویسد:

هر بخش از بلاد اسلام که شرایع اسلام جز به وجود امامت آل محمد ﷺ در آن روان باشد، دارالاسلام است، نه دار ایمان و هر بخش از بلاد اسلام؛ خواه با جمعیت زیاد و خواه با جمعیت کم که در آن شرایع اسلام همراه با اعتقاد به امامت آل محمد ﷺ وجود داشته باشد، آنجا دارالاسلام و دار ایمان است. به اعتقاد من ممکن است سرزمینی، در عین اینکه دارالاسلام

است، دار کفر ملت نیز باشد، ولی ممکن نیست که سرزمینی دار ایمان و کفر ملت هر دو باشد (مفید، ۱۴۱۳ق، الجَمَل، ص ۱۸۸-۱۸۷).

نتیجه آنکه از منظر شیخ مفید، در هر عصری تشکیل حکومت یکی از وظایف بزرگان دین است. این امر مهم در عصر غیبت امام معصوم 7 بر فقیهان شیعه است که به تشکیل حکومت برای اجرای حدود الهی و قوانین فقهی، برقراری عدل، مبارزه با ظلم، ایجاد نظم اجتماعی و ثبات سیاسی، هدایت معنوی و فراهم کردن بستر سعادت افراد در جامعه پردازند.

مشروعیت حاکمیت و حکومت از دیدگاه شیخ مفید

تشکیل جامعه اسلامی در مدینه و تخلیه تدریجی یهود، نوع برخوردها، تربیت‌ها و هدایت‌ها و همچنین نوع تشکل‌ها، سازماندهی‌ها و مبارزات، تنظیم قراردادهای و پیمان‌ها و تنظیم نظام‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و تشریح شرایع و قوانین، حکایت از تشکیل حکومت دینی توسط پیامبر 9 داشت.

پس از رحلت پیامبر 9 و در دوره‌های انتظار و تقیه و قیام، مشروعیت حاکمیت امامان : از اموری است که فقیهان شیعی و از جمله شیخ مفید بر آن اذعان دارند و آن را از مسلمات برشمرده‌اند.

پس از رسول خدا نیز فقط ائمه : به دلیل نص الهی و وصایت رسول خدا 9 مشروعیت و استحقاق امامت و ریاست بر امت اسلامی را دارند و تنها ایشان حجت خداوند در میان مردم محسوب می‌شوند (مفید، ۱۴۱۳ق، المسائل العکبریه، ص ۴۶-۴۷؛ مفید، ۱۴۱۴ق(ب)، ص ۴۰).

از دیدگاه شیخ مفید، نظام سیاسی مشروع، نظامی است که حاکمان آن از طرف خدا منصوب باشند و وظیفه آنان اجرای حدود الهی، برپاداشتن شریعت و تأدیب مردم بر اساس شریعت است (مفید، ۱۴۱۴ق(ب)، ص ۶۵). ریاست این نظام با اشخاصی است که اطاعتشان بر همگان واجب و مقدم بر اطاعت دیگران است (مفید، ۱۴۱۳ق، الإفصاح فی الإمامة، ص ۳۷). «پیامبر 9 که از سوی خدا اطاعتش ثابت است و نیازی به بیعت

یا اختیار و انتخاب از سوی دیگران ندارد» (همان) خداوند پیامبر ۹ را به عنوان فردی که برای دخالت در زندگی مردم اولی و دارای ولایت است معرفی می‌کند و می‌فرماید: «الَّتِي أُوتِيَ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» (احزاب (۳۳): ۶). اطلاق آیه شریفه و محدود نکردن ولایت پیامبر ۹ به عرصه خاصی، بیانگر شمول این اولویت و ولایت در همه حوزه‌های ولایت‌پذیر است.

وی برای اثبات الهی بودن منشأ مشروعیت حکومت امام، برخی ویژگی‌ها را لازمه ذاتی امام دانسته و به استدلال پیرامون آن می‌پردازد (مفید، ۱۴۱۳ق، النکت الاعتقادیه، ص ۴۰). ایشان معتقد است امامت یکی از مسائل اساسی و ضروری شیعه به شمار می‌رود (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۳۲). امام از نظر شیعه، علاوه بر پیشوایی دینی، رهبری سیاسی را نیز بر عهده داشته و شیعیان همواره به آنان توجه ویژه‌ای نموده و اوامر ایشان را می‌پذیرند (همان). وی در این باره می‌نویسد: «من می‌گویم همانا ائمه اطهار : قائم مقام انبیاء در تنفیذ احکام و اقامه حدود و حفظ شریعت و مربی تربیت مردم هستند. آنان همانند انبیاء، معصوم هستند» (مفید، ۱۴۱۴ق (ب)، ص ۶۵). «اما اجرای حدود الهی بر عهده سلطان اسلام است که از جانب خدای متعال نصب شده و آنان عبارتند از امامان هدایتگر از آل محمد ۹» (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۸۱۰).

مراتب حاکمیت و حکومت از نظر شیخ مفید

اسلام با نظر به اهمیت و تأثیری که در هدایت انسانها و زمینه رشد ارزش‌های افراد دارد، مدیریت و نظام خاصی را برای آن ترسیم کرده است. بر اساس دیدگاه عقیدتی «شیعه»، حاکمیت در اصل، از آن خداست و به عبارتی دیگر، حاکمیت از شئون ربوبیت الهی است. هیچ‌کس حق حکومت بر انسانی را ندارد، مگر آنکه خدا به او اجازه دهد. پیامبران و خاتم آنها رسول خدا و اوصیای معصوم ایشان این وظیفه را بر عهده دارند. در عصر غیبت نیز فقهاء با اذن عام از طرف ائمه اطهار : اجازه حکومت بر انسانها را دارند. بنابراین، ساختار کلی نظام سیاسی شیعه، نظامی ولایی و بر محور امامت است.

در دیدگاه شیخ مفید و قاطبه علمای شیعه، با نزول وحی بر انبیاء و رسول خدا ۹

در ابلاغ رسالت الهی، آنان به عنوان اولین گروه از حاکمان، وظیفه دارند به تشکیل حکومت بپردازند و حدود الهی را اجراء کنند. وی در این باره می‌نویسد: «من می‌گویم همانا ائمه : قائم مقام انبیاء در تنفیذ احکام و اقامه حدود و حفظ شریعت و مربی تربیت مردم هستند» (مفید، ۱۴۱۴ق(ب)، ص ۶۵؛ مفید، ۱۴۱۳ق، نکت الاعتقادیه، ص ۵۳).

شیخ مفید با این بیان، اگرچه امامان معصوم شیعه : را در امر تفسیر و تبیین احکام اسلامی و اقامه حدود الهی، جانشین انبیاء در امور محوله به آنها می‌داند، اما به اعتقاد وی، انبیای الهی و به ویژه رسول خدا ﷺ باید شریعت اسلام را حفظ کنند و به اجرای حدود الهی بپردازند. حفظ شریعت و تبیین و اجرای حدود نیز در صورتی امکان تحقق دارد که حکومتی از سوی انبیاء تشکیل شود.

امامت، یکی از مسائل اساسی و ضروری شیعه به شمار می‌رود (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۳۲). امامت به معنای زعامت امت در امور معاش و معاد است. این بنیاد سیاسی و دینی همواره مورد تأکید شیعیان بوده و آنان با اتکای بر آن به مبارزه با سلاطین جور پرداخته و حکومت آنها را نامشروع می‌دانستند. امام از نظر شیعه، علاوه بر پیشوایی دینی، رهبر سیاسی نیز هست و در تمامی رفتارهای سیاسی، شیعیان همواره به آنان توجه می‌کنند و اوامر آنان را می‌پذیرند (همان).

با توجه به اهم مبانی اندیشه سیاسی شیعه در عصر غیبت که بر پایه اصول مهدویت، انتظار، ولایت فقیهان و تقیه استوار است، فقهای شیعه از جمله شیخ مفید بر اساس این بینش عقیدتی و سیاسی، با تأکید بر ضرورت وجود امام معصوم در هر زمان و اهمیت معرفت به او، ضمن اعلان عدم مشروعیت حکومت‌هایی که در رأس آن امام معصوم ۷ قرار ندارد، مردم را به انتظار و تقیه و قیام، به منظور برقراری حکومت اسلامی دعوت می‌کردند (مفید، ۱۴۱۴ق(ب)، ص ۸).

باید توجه داشت که انتظار، به معنای خلوت‌نشینی و بی‌کاری نیست، بلکه به معنای آمادگی و زمینه‌سازی برای تشکیل حاکمیت مطلوب است. انتظار نوعی عمل، طرح و برنامه‌ریزی و توقع مقصود است، نه کیفیت و حالتی روحی و به همین خاطر فرمودند: «انتظار فرج، بالاترین عمل است» (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۱۰) و تقیه نیز

بی‌کاری و گریز نیست، بلکه پنهان‌کاری است که به منظور حفاظت از ولی و رهبر، مؤمنین (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۲۲۳) و یا حفاظت از سایر ارزش‌ها صورت می‌گیرد. همچنین گاهی به منظور مدارا با گمراهان و منحرفین و جذب آنان اتفاق می‌افتد و گاهی هم به جهت نفوذ در دشمن و تسلط بر او انجام می‌شود؛ زیرا سرداران فاتح، گاهی قلعه‌ها را از درون فتح می‌کنند. شیخ مفید در خصوص تقیه می‌نویسد: «من می‌گویم که گاهی تقیه عنوان تکلیف پیدا می‌کند و به صورت واجب شرعی در می‌آید» (مفید، ۱۴۱۴ق(ب)، ص ۹۷-۹۶).

روش شیخ مفید در تبیین تئوری حکومت در عصر غیبت

شیخ مفید برای اثبات و تبیین تئوری حکومت فقیه در عصر غیبت از دو روش کلامی و فقهی بهره برده است. به عبارت دیگر، وی از فقه و کلام سیاسی بهره برده و مدعی خود را تبیین می‌کند. بنابراین، یکی از ابزارهای مورد توجه او در کلام سیاسی، عقل است. شیخ مفید کاربرد عقل را در شناخت معانی و حجیت قرآن و مضمون روایات تأیید می‌کند (همان، ص ۱۴۹) و برای اثبات مبانی و باورهای اعتقادی شیعه (توحید، نبوت، امامت، معاد و عدل) با تبیین عقلانی مسأله، نبوت و امامت را در مقابل اهل حدیث و دیگر فرق شیعه به اثبات می‌رساند و معتقد به امامت الهی ائمه اطهار : است (مفید، ۱۴۱۳ق، الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۲)؛ چنانکه در مناظرات مختلف با مخالفان و یا در «کتاب الارشاد» در مدخل ورودی هر امام، به علم، عصمت، نص، وصیت و افضلیت آن امام در رهبری دینی و سیاسی جامعه اشاره کرده است. امام ۷ در نگاه کلامی شیخ مفید دارای عصمت، علم، دانش دینی و سیاسی و کمال است (مفید، ۱۴۱۴ق(ب)، ص ۶۷-۶۵).

وی با بهره‌گیری از ابزار عقل، به روش سلبی، به نفی حکومت ظالم و به روش اثباتی، به ضرورت حکومت نبی، امام و فقیه عادل و وظایف آنان در عصر غیبت پرداخته و بر همین پایه، فقه سیاسی خویش را تنظیم می‌کند (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۸۱۰)؛ چنانکه در کتاب «المقنعه» به تفصیل وظایف و اختیارات امام و فقیه در عصر غیبت را ذکر کرده است (همان).

گستره حاکمیت حاکمان دینی در عصر غیبت از نگاه شیخ مفید

از منظر شیخ مفید، حاکم اسلامی باید مردم را به اصلاح رهنمون ساخته و از فساد و تباهی دور سازد. مجرمین را تأدیب کرده، غافلان را آگاهی داده و ایشان را از گمراهی برحذر دارد. حدود را در میانه ایشان اقامه و احکام را به اجراء گذارد. اختلافات آنان را حل نموده و مرزهای ایشان را امن ساخته و اموال آنان را محافظت نماید و برای همین منظور، امیرانی را برای اداره امور ایشان نصب نماید تا امت را در جمعه و جماعات جمع کنند و حامی دین و دیانت ایشان باشند (مفید، ۱۳۴۱ق، الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۲).

از منظر شیخ مفید، حاکم اسلامی وظیفه دارد به امور دینی مردم توجه کند تا علاوه بر اجرای آن‌ها ضامن حفاظت از شریعت و جامعه اسلامی نیز باشد. وی در این باره می‌نویسد: مکلفان همواره نیازمند سیاست سلطانی هستند تا آنان را به اصلاح رهنمون گردیده و از فساد و تباهی دور سازد و جنایتکاران ایشان را تأدیب کرده، غافلان ایشان را آگاهی داده و آنان را از ضلالت و گمراهی تحذیر نموده، حدود را در میان ایشان اقامه و احکام را به اجراء بگذارد. اختلافات آنان را حل کرده و مرزهای ایشان را امن ساخته و اموال آنان را محافظت نماید. امیرانی را برای اداره امور ایشان نصب کرده و آنان را در جمعه و جماعات جمع کند و حامی دین و دیانت ایشان باشد (همان).

ولایت فقیه در اندیشه شیخ مفید

اصولاً در فرهنگ شیعی این امر که در عصر غیبت، جامعه از سوی فقیهان عادل اداره و اصلاح می‌گردد، امری بی‌تردید است. از مشهورترین روایات دال بر ولایت فقیه، حدیث رجوع به فقیهان در حوادث واقعه است. در این روایت، امام زمان 7 فرمودند: «در حوادثی که اتفاق می‌افتد، به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنان هستم» (صدوق، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۴۸۴). «کلینی» نیز پیرامون نقش فقیهان در اجرای حدود الهی و رجوع به آرای آنان، روایت «عمر بن حنظله» از امام صادق 7 را چنین نقل می‌کند:

روزی از امام صادق 7 پرسیدم که هرگاه دو نفر از شیعیان درباره مسأله‌ای

چون قرض یا ارث درگیر شوند و برای حل نمودن درگیری و داوری میان خود، به نزد پادشاه ستمگر و یا قاضیان رسمی حکومت او بروند، آیا چنین کاری پسندیده و درست است؟ امام 7 فرمودند هر کس از آن دو نفر، اگر داوری آنان را؛ چه در امری که حق باشد یا باطل، بپذیرد، به یقین به طاغوت روی آورده است و هر چیزی که آن چنان حاکمی به سود آن حکم کند، اگرچه به حق هم حکم نموده باشد، حرام و باطل است؛ زیرا آن فرد، حق خود را به حکم طاغوت [از حاکم ستمگر] گرفته است. حال آن که خداوند به بندگان خود فرمان داده است که از طاغوت رو گردانند، آنجا که در آیه ۶۰ سوره نساء می فرماید: «آنان می خواهند که از طاغوت داوری بخواهند؛ در حالی که به ایشان دستور داده شده است از آن رویگردان باشند».

سپس از امام صادق 7 پرسیدم ای پسر پیامبر خدا! پس می گویند که آن دو نفر چه باید بکنند؟ امام فرمودند بنگرند که کدام یک از شما مردم، روایتگر حدیث ما است و در حلال و حرام ما صاحب نظر و خبره است و احکام ما را به خوبی می شناسد، آن هنگام داوری را به نزد او برده و حکم خود را به او واگذار کنند و به نتیجه داوری او خشنود باشند؛ زیرا من چنین شخصی را بر شما حاکم قرار داده‌ام. هرگاه چنان حاکمی میان شما داوری کرده و حکم کرد و سخن او پذیرفته نشد، به یقین حکم خدا کوچک شمرده و فرمان ما را نپذیرفته و کسی که ما را نپذیرد، گویی که خدا را نپذیرفته است و چنین کسی در حد شرک و ورزی به خدا است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۷؛ ج ۷، ص ۴۱۱).

فقیهان شیعی هم عقیده با شیخ، با صدور فتاوا و احکام سیاسی و اجتماعی به ایفای نقش نیابت عامه خویش در غیبت امام زمان 7 می پرداختند. آنان معتقد بودند که زعامت و رهبری سیاسی و دینی جامعه و دفاع از کیان شیعه وظیفه علمای شیعه است. اگرچه شیخ، کتاب مستقلی در موضوع حکومت اسلامی تألیف نکرد، اما توانست در آثار فقهی خویش، نظریه‌های سیاسی، عملکرد حاکمان و رهبران اسلامی را به روشنی

تبيين نموده و با استفاده از قواعد فقهی به موضوعاتی همچون رهبری جامعه اسلامی، شرایط رهبری، وظایف رهبری، مشارکت مردم با حکومت، احکام قضایی و اقتصادی، سیاست‌های داخلی و خارجی پردازد.

شیخ مفید، افزون بر طرح مباحث امامت و رهبری، (آذری قمی، ۱۳۷۲، ص ۵۸) به تبیین نظریه حکومت ولایت فقیه - در قالب شرح وظایف سلطان اسلام - پرداخت. این اندیشه شیخ مفید که برگرفته از موارد متعدد سخنان امامان معصوم : بود، زمینه‌ساز بحث‌های گوناگون اجتماعی و حیات سیاسی در اندیشه سیاسی او گردید. وی در کتاب «المقنعه» در بیان مراتب امر به معروف و نهی از منکر، وقتی به مرحله قتل و جرح می‌رسد، می‌گوید: «در امر به معروف یا نهی از منکر، کسی حق کشتن یا مجروح کردن ندارد، مگر آنکه سلطان و حاکم زمان که برای تدبیر و اداره امور مردم منصوب شده اجازه دهد» (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۸۱۰) و در ادامه می‌گوید:

اما مسأله اجرای حدود الهی، مربوط به سلطان و حاکم اسلامی است که از سوی خداوند نصب می‌شود که عبارتند از امامان هدایت از آل محمد ⁹ و کسانی که ائمه : آنها را به عنوان امیر یا حاکم نصب کنند که ائمه این مطلب را در صورت امکان، به فقهای شیعه واگذار کرده‌اند (همان).

در این عبارات شیخ مفید ابتدا امامان معصوم : که خداوند آنها را مستقیماً به عنوان مدیران و مجریان حدود الهی نصب کرده و سپس امیران و حاکمانی که امامان معصوم آنها را نصب کرده‌اند و بعد هم فقیهان شیعه که از سوی امامان معصوم برای اقامه حدود الهی منصوب شده‌اند، را برمی‌شمارد. همچنین به نواب خاص؛ مانند «مالک اشتر» در روزگار امام علی ⁷ و نواب اربعه در عصر غیبت صغری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و نواب عام؛ یعنی فقهای شیعه، در عصر غیبت کبری امام زمان اشاره می‌کند (همان).

شیخ مفید در خصوص ولایت و امامت فقیهان معتقد است که ولی فقیه باید شجاع‌ترین، زاهدترین، صالح‌ترین، بصیرترین و حکیم‌ترین شخص در سیاست و تدبیر مردم باشد. بسیاری از این شرایط، نه به واسطه عقل و حدس، بلکه از طریق

معجزه یا نص از سوی کسی که عالم به اسرار است معلوم می‌گردد (مفید، ۱۴۱۳ق، المسائل العکبریه، ص ۵۲). همچنین باید عالم به جمیع علوم دینی و عالم به حکم همه موضوعاتی که امت به آنها نیازمند است باشد و الا خود، محتاج امام و رئیسی دیگر است که او را هدایت کند (مفید، ۱۴۱۳ق، المسائل الجارودیه، ص ۴۵) و این نقض غرض بوده و تسلسل خواهد بود. فقیه باید علاوه بر مشروعیت، جایگاه و مقبولیت مردمی نیز داشته باشد؛ چنانکه وی با نقل روایتی از امام صادق ۷ بیان می‌کند که امام فرمود امامت یک قوم، بدون رضایت ایشان هرگز مطلوب نبوده و نیست (مفید، ۱۴۱۳ق، الامالی، ص ۱۷۳). شیخ مفید همچنین در رابطه با همکاری با حاکمیت‌های غیر مشروع به نکاتی اشاره دارد و معتقد است پذیرش مسؤولیت‌های اجتماعی در حکومت جور، مانعی ندارد؛ مشروط بر آنکه شخص مسؤول لیاقت و صلاحیت داشته باشد؛ زیرا در غیر این صورت، از اذن و اجازه عام امام ۷ بی‌بهره است (همان). وی می‌نویسد:

کسانی که برای احراز مسؤولیت و مدیریت، صلاحیت ندارند یا به خاطر دانش کم آنان نسبت به احکام شرعی و یا به خاطر کم‌تدبیریشان، حق مسؤولیت‌پذیری ندارند، اگر پذیرفتند گناه کارند؛ چون از جانب صاحب الامر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) که حق اصلی تمام مسؤولیت‌ها به او بر می‌گردد، مأذون و مجاز نیستند. بنابراین، هر خطایی را که در مدت مسؤولیت مرتکب شوند، مورد محاسبه الهی قرار خواهند گرفت، مگر آنکه عفو و مغفرت الهی شامل آنان شود (همان).

علاوه بر آن، شیعیانی که در دستگاه حکومت جور، مقام و مسؤولیت می‌گیرند، بایستی از حمایت و یاری مجموعه برادران شیعه خویش برخوردار باشند (همان). شیخ مفید از «ولایت فقیه»، با تعابیر مختلفی؛ نظیر «سلطان اسلام»، «حاکم» و یا «نایب سلطان اسلام»، «امام مسلمین» و «ناظر بر امور مسلمین» تعبیر می‌کند و در جهت حل مشکلات موجود عصر خویش از تعابیری؛ نظیر «امرهای سلطان الزمان» استفاده می‌کند (مفید، ۱۴۱۰ق، المقنعه، ص ۷۹۷-۷۴۹).

وی در کتاب «المقنعه» در چندین باب مختلف بر این نکته تأکید می‌نماید که

اجرای یک سلسله از احکام؛ نظیر اجرای حدود، امر به معروف و نهی از منکر، قضاوت و دیگر امور حکومتی و فقهی که تنها در صلاحیت ائمه اطهار : بوده، در زمان غیبت به فقیهان شیعه واگذار شده است.

از جمله وظایف و اختیارات فقیه در عصر غیبت که شیخ مفید در کتاب‌های «مقنعه»، «احکام النساء»، «اوائل المقالات» و دیگر آثارش به آنها اشاره نموده عبارتند از قضاوت (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۸۱۱) و اجرای حدود و قصاص (همان، ص ۸۱۰)، اجرای تعزیرات (همان، ص ۸۰۲-۷۹۷)، امر به معروف و نهی از منکر (همان، ص ۸۰۹)، جلوگیری از احتکار (همان، ص ۶۱۱)، پیگیری درآمد اراضی موات (همان، ص ۶۱۳)، ولایت بر سفیه و یتیم (همان، ص ۸۱۶)، دریافت و مصرف خمس و زکات (همان، ص ۲۵۲) و غیر آنها است.

فقهاء باید حدود الهی را اجراء کنند، دست دزد را قطع کنند، زانی را تازیانه بزنند، قاتل را قصاص کنند، حتی کسی که از ناحیه سلطان جور، مسؤولیت پذیرفته است، موظف است از این قدرت در مسیر اجرای حدود الهی و احکام خداوند و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد با کافران، بهره گیرد و بر مؤمنان است که تا وقتی او در مسیر حق بوده و از دستورات سلطان جائز پیروی نمی‌کند، به او کمک کرده و هنگامی که دیدند از سیاست این حاکمان پیروی می‌کند، هیچ کس حق کمک کردن به او را ندارد (همان، ص ۸۱۰). آنچه در این سخنان بدیهی است، تأکید روی این نکته است که فقهاء باید نظام مقتدر اسلامی را تشکیل داده و با قدرت هر چه تمام‌تر در مقابل کفار و مستکبرین بایستند و اگر این مهم فراهم نبود، باید در زمان برقراری حکومت جور؛ اگرچه مشروعیت ندارد، اما باید به کسانی که در این حکومت توانایی اجرای حدود الهی را دارند، متوسل شده و او را یاری نمایند. به عبارت دیگر، اساسی‌ترین دلیل شیخ مفید برای ضرورت تشکیل یک نظام سیاسی، اصلاح جامعه است که به اعتقاد وی، با اجرای قوانین الهی اسلام به دست یک رئیس عادل تأمین می‌گردد (مفید، ۱۴۱۳ق، المسائل الجارودیه، ص ۴۴).

نتیجه گیری

با بررسی اندیشه سیاسی شیخ مفید در آثار فقهی و کلامی وی که می توان از آن به فقه سیاسی و کلام سیاسی نیز تعبیر کرد، می توان گفت اصول و مبانی یا تئوری تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت، در جهت تأمین مصالح مادی و معنوی انسان و اداره جامعه؛ به نحوی که منجر به اداره جامعه باشد، طراحی گردیده است. ایشان در آثار فقهی خویش نظریه های سیاسی، مشروعیت و عملکرد حاکمان اسلامی را به روشنی تبیین نموده و بیان کرده است که انسان ها به دلیل خواست ها و تعارض امیال خویش قادر به هدایت بشر نیستند. بنابراین، باید رهبران جامعه اسلامی مشروعیت الهی داشته باشند. وی در این راستا به موضوعاتی چون شرایط رهبری، وظایف رهبری، مشارکت مردم با حکومت، احکام قضایی و اقتصادی و... پرداخته است. وی همچنین در خصوص ولایت فقیهان معتقد است که ولی فقیه باید شجاع ترین، زاهدترین، صالح ترین، بصیرترین و حکیم ترین شخص در سیاست و تدبیر مردم باشد. فقیه باید علاوه بر مشروعیت، جایگاه و مقبولیت مردمی نیز داشته باشد. از جمله وظایف و اختیارات فقیه در عصر غیبت که به طور مطلق بیان شد روشن می سازد که وی قائل به ولایت مطلقه بوده و روایات را در اطلاق آن بر وظایف فقیه می داند. وظایفی چون تشکیل حکومت، قضاوت و اجرای حدود و قصاص و اجرای تعزیرات، امر به معروف و نهی از منکر، جلوگیری از احتکار، پیگیری درآمد اراضی موات، ولایت بر سفیه و یتیم، دریافت و مصرف خمس و زکات است و در واقع تمام اموری را که امامان : عهده دار اجرای آن هستند، در زمان غیبت و تا زمان ظهور امام عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر عهده فقهاء نهاده شده است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آذری قمی، احمد، ولایت فقیه از دیدگاه شیخ مفید، قم: گنگره شیخ مفید، ۱۳۷۲.
۴. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ۹، قم: جامعه مدرسین، چ ۲، ۱۴۰۴ق.

۵. بازرگان، مهدی، آخرت و خدا هدف بعثت انبیا، تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
۶. جعفری، محمدتقی، فلسفه دین، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۲، ۱۳۷۸.
۷. حر عاملی، محمدبن حسن بن علی، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۶، ۱۶، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ ۵، ۱۴۰۳ق.
۸. حکیم، سیدمحمدتقی، اصول العامة للفقہ المقارن، قم: مجمع جهانی اهل بیت ،: ۱۴۱۸ق.
۹. صدوق، محمدبن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ق.
۱۰. -----، الامالی، الطبعة الخامسة، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۰ق.
۱۱. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷ق.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: نشر الوفاء، چ ۲، بی تا.
۱۳. محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چ ۱۲، بی تا.
۱۴. مفید، محمدبن محمد، الامالی، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۱۵. مفید، محمدبن نعمان، اقسام المولی فی اللسان، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۱۶. -----، الاختصاص، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۱۷. -----، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۱۸. -----، الافصاح فی الامامة، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۱۹. -----، الجمل، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۲۰. -----، المسائل الجارودية، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۲۱. -----، المسائل العکبرية، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۲۲. -----، المقنعة، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چ ۲، ۱۴۱۰ق.
۲۳. -----، النکت الاعتقادية، بیروت: نشر المجمع العالمی لاهل البيت ،: ۱۴۱۳ق.
۲۴. -----، اوائل المقالات، تحقیق ابرهیم انصاری، بیروت: دارالمفید، چ ۲، ۱۴۱۴ق.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی (عج)، قم: نسل جوان، چ ۸، ۱۳۹۰.
۲۶. نصری، عبدالله، انتظار بشر از دین، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چ ۴، ۱۳۸۵.
۲۷. نوروزی، محمدجواد، فلسفه سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چ ۳، ۱۳۹۱.